

گفتمان مقاومت فلسطین؛ طلیعه بیداری اسلامی در میان شاعران معاصر عرب

فاروق نعمتی^۱

محمد مهدی روشن چسلی^۲

اسماعیل نادری (نویسنده مسئول)^۳

چکیده

بیداری اسلامی، در دو قرن اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در جهان اسلام، خاورمیانه مطرح بوده است. اشغال سرزمین مقدس فلسطین و مسجدالاقصی یکی از مهم‌ترین موضوعات بیداری اسلامی در جهان معاصر بود. این مسئله نه تنها در جهان سیاست، بلکه در دنیای ادبیات نیز تسری پیدا نمود؛ به نحوی که مسأله فلسطین، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین مضامین شعری شاعران معاصر عرب بوده است. وجه اشتراک همه این شاعران، تأکید بر پایداری تا آزادی فلسطین است. از نگاه آن‌ها، مقاومت، تنها وسیله ممکن برای مقابله با بیدادگری‌های صهیونیست است. شاعرانی که در راستای مقاومت ملت فلسطین شعر سروده‌اند، دو گروه هستند؛ گروه اول شاعران بومی فلسطین هستند که با زبان و قلم در مسیر استقلال و آزادی وطن خویش گام برداشته‌اند؛ و گروه دوم شاعرانی از کشورهای دیگر هستند که فریاد مبارزه را علیه دشمنان صهیونیست در سروده‌های حماسی خود متجلی ساخته‌اند (بیان مسأله). این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده (روش)، علاوه بر پرداختن به مهم‌ترین و پرکاربردترین درونمایه‌های ادبیات پایداری و بیداری، به این نتیجه رسیده است که شعرای فلسطین برای انتقال مفاهیم پایداری و بیدار کردن ملت خویش، اشعارشان را هم به سبک ساده و روان سروده و هم به آرایه‌های ادبی آراسته‌اند و تلاش نموده‌اند تا از بستر زبان شاعرانه، پیام آزادی‌خواهانه ملت فلسطین را به گوش جهانیان برسانند (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، شعر معاصر، شاعران معاصر عرب، فلسطین، رژیم صهیونیستی.

۱. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

f.nemati@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-3669-6060>

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

mmroshan1046@pnu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-4815-2615>

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

enaderi54@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0002-4627-1389>

۱. مقدمه و بیان مسئله

با طرح نظریه تعهد و التزام در ادبیات و گسترش آن در جوامعی که دستخوش تحولات عمده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بودند، شیوه تازه‌ای در زبان و ادبیات جهان شکل گرفت. این شیوه «برخاسته از اصول ادبیات ملتزم ولی با قدری تفاوت در عناصر زبانی و محتوایی که آن را ادبیات مقاومت نامیده‌اند» (بصیری، ۱۳۸۸: ص ۲۰). بنابراین ادبیات مقاومت شاخه‌ای از ادبیات متعهد و ملتزم هست که درونمایه آن در راستای حمایت از منافع و آرمان‌های یک نظام مستبد نیست؛ بلکه صراحتاً یا تلویحاً آن را هدف قرار می‌دهد. این ادبیات به مخاطب خود یاد می‌دهد که چگونه در مقابل دشمن مقاومت و پایداری نماید. ادبیات مقاومت تحت تاثیر شرایطی مانند ظلم و ستم، خفقان، خودکامگی حاکمان، جنگ و اشغال نظامی و... شکل می‌گیرد و هدف از آن دفاع از کرامت و حیثیت ملت‌هاست. مقاومت معمولاً در مقابل طغیان معنی پیدا می‌کند؛ بنابراین ادبیات مقاومت در سرزمین‌هایی شکل گرفته و رشد کرده که یا مورد ظلم و ستم حاکمان بوده و یا مطمح نظر استعمار و استکبار بوده است. از آنجا که مقاومت به تبع ظلم و جور و طغیان پدید می‌آید، پس مقاومت و ایستادگی نیز همواره در میان طیفی از انسان‌هایی که مورد ظلم و ناعدالتی قرار گرفته‌اند، وجود داشته و تاریخ آن به درازای عمر بشر است.

در این میان، ادبیات مقاومت در دوره معاصر و بعد از اشغال فلسطین، وارد مرحله جدیدی شد. تراژدی فلسطین از زمانی که تحت قیمومیت دولت بریتانیا قرار گرفت تا امروز که زیر چکمه‌های صهیونیست‌هاست، همواره یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی بوده است که ذهن جهان عرب را به خود مشغول داشته است و شعر عربی نیز که در عصر حاضر بیش از هر دوره‌ای در برابر جامعه انسانی خود را پاسخگو می‌داند، فضای قابل توجهی را به آن اختصاص می‌دهد و انگشت شمارند تعداد شاعران عربی که به این مهم پرداخته باشند. «شعر مقاومت با اصرار و پافشاری تمام در مقابل تبلیغات صهیونیستی به پا خاسته است؛ هر چند امکان دارد که در این راه، آزارهای فراوانی را متحمل شود» (محمد عطیه، ۱۹۷۴: ص ۴۵). از همین رو، سرایندهگان معاصر عرب ضمن انعکاس فجائع دردناک و اسفناک اشغال‌گری صهیونیست‌ها و مظلومیت فلسطینیان در آثار خود، بیداری امت اسلامی را در این زمینه و جهت همت خود قرار دادند. این دسته از ادیبان به مدد ذوق سلیم و قوه تخیل خویش، رخدادهای فلسطین و فریادی آزادی‌خواهانه این ملت را برای مخاطبین خود ترسیم می‌کردند. فلسطین، مرکز ثقل شعر پایداری عربی در عصر حاضر

است و وقایع تلخی که بر این سرزمین گذشته، با صراحت چشمگیری در شعر امروز رخنه کرده است به طوری که «نبض شعر عرب، امروز با مسأله فلسطین می‌تپد. شاید نتوان شاعری یافت که در کشورهای عربی شعر بگوید و موضوع بخشی از شعرهایش را فلسطین تشکیل ندهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰ ص ۲۵۰). از مشهورترین شعرای ادبیات مقاومت در فلسطین می‌توان به غسان کنفانی، محمود درویش، فدوی طوقان، ابراهیم طوقان، توفیق زیاد، جبران خلیل جبران، سمیح القاسم و... اشاره کرد. البته نظر به موقعیت مهم سرزمین فلسطین به مثابه قبله نخست مسلمانان و عمق فاجعه در آن، ادب مقاومت و حمایت از مردم مظلوم فلسطین، به شعرای مشهور این سرزمین محدود نشد؛ بلکه شعرای دیگری در سراسر جهان اسلام، برای حمایت از ملت مظلوم فلسطین و بیداری اسلامی، چه در فلسطین و چه در سایر سرزمین‌ها، اشعاری را به رشته نظم درآوردند.

این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر اشعار علی فوده، عبدالکریم کرمی، هواری، عبدالرحیم محمود، سید قطب، وائلی، مضامین وطن‌دوستی، توصیف جنایت‌های دشمن، غفلت مردم و خیانت سران کشورهای عربی، دعوت به مبارزه و پایداری، شهادت، امیدبخشی و مبارزه با حس ناامیدی را به عنوان مهم‌ترین و پرکاربردترین مضامین مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۱. سؤالات تحقیق

آنچه در این مقاله مد نظر هست، پاسخ به دو پرسش زیر می‌باشد:

- مهم‌ترین و شایع‌ترین درونمایه‌های بیداری اسلامی و پایداری در شعر معاصر فلسطین کدام است؟
- شعرای معاصر عرب در پرداختن به این درونمایه‌ها، از چه ظرفیت‌های زبانی بهره گرفته‌اند؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

در مورد شعر مقاومت ملت فلسطین و بیداری اسلامی در این سرزمین، تاکنون تحقیقات مختلفی انجام شده است که در زیر به مهم‌ترین و مرتبط‌ترین این تحقیقات اشاره می‌شود:
 قادری (۱۳۹۰) در مقاله «فلسطین در شعر معاصر الجزائر»، به توجه خاص شعرای الجزائر

به قضیه فلسطین، دعوت شعرا از آورگان جهت بازگشت به سرزمینشان و وحدت و یکپارچگی آنان اشاره کرده است؛ عزیزی پور و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله «وطن در شعر معاصر فاسطین» به این نتیجه رسیده‌اند که عشق به وطن، جزء ذات و سرشت شعرا بوده و آنان برای حفظ جان و مال و شرف خود و مردم جامعه، تعلق خاصی به وطن داشتند؛ حاج بابایی و مرادی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی مقاومت فلسطین در شعر محمود درویش و حسین اسرافیلی»، ضمن بررسی اشعار مقاومت این دو شاعر، به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو سراینده علاوه بر پیوند زدن مضامین مقاومت با مفاهیم دینی، سکوت مجامع بین‌المللی و خیانت سران کشورهای عربی را محکوم کرده‌اند؛ زودرنج و کوچی نیت (۱۳۹۷) در مقاله «بیداری و پایداری فلسطین در اشعار تمیم برغوثی»، فلسطین را از نگاه اشعار این شاعر تحلیل نموده‌اند؛ جهانی و نورمحمد نهال (۱۳۹۶) در مقاله «واکاوای بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر فلسطین و ایران»، به مضامین مشترک شاعران دو سرزمین از جمله وطن‌گرایی، ایثار، شهادت، دعوت به مبارزه و ... اشاره کرده‌اند؛ کیانی و میرقادری (۱۳۸۸) در مقاله «شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان شاعر مقاومت فلسطین»، فضائل شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافتند که حیات واقعی یک ملت به مقاومت در برابر ظلم و تعدی وابسته است؛ نجاریان (۱۳۸۸) در مقاله «بن‌مایه‌های پایداری در شعر محمود درویش» به این نتیجه رسیده است که شاعر بر مضامین وطن‌پرستی، بر تحریک غیرت ملی، مبارزه با ظلم، تهدید دشمن و ایجاد امید، تاکید کرده است؛ سیدی و سالم (۱۳۹۱) در مقاله «جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان»، اشعار مقاومت را در اشعار این شاعر فلسطینی مورد بررسی قرار داده‌اند.

نقطه تمایز پژوهش حاضر با مطالعات و مقالات انجام شده در این است که در این تحقیق، سعی بر آن بوده تا با نگاهی دقیق به بارزترین مؤلفه‌های بیداری اسلامی در شعر پایداری فلسطین در میان برخی شاعران معاصر عرب، تصویری کلی از نقش و مسأله فلسطین در نگرش سیاسی این دسته از شاعران ترسیم گردد. همچنین تلاش بر این بوده تا در این زمینه از اشعار شاعرانی استفاده شود که خود در بطن جریانات و حوادث مربوط به فلسطین، حضوری فعال داشته و نیز اشعار آنها کمتر شناخته شده است.

۲. تبلور مضامین مقاومت فلسطین در شعر معاصر عرب

سرآغاز ادبیاتِ پایداری و بیداری در فلسطین زمانی است که سرزمین‌های اسلامی و شرقی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی مغرب زمین قرار گرفته و تحت سلطه استعمار درآمدند (محمودی، ۱۳۹۸: ص ۱۱۴). ادبیاتِ مقاومتِ فلسطین، «اولین نوع از شعر مبارزه‌ای عرب است که در میدانِ مبارزه‌ای مستمر علیه متجاوزان، نقش فرماندهی را ایفا نموده است. این شعر میل واقعی مردم به مقاومت و تصمیم قاطع آنان مبنی بر حفظِ هویتِ فرهنگی و تمدن را در سرزمینِ قانونی آنها نشان می‌دهد» (الکیالی، ۱۹۷۵: ص ۳۵۸). به طور کلی شاعرانی که از فلسطین شعر گفته‌اند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گروه اول کسانی بودند که در داخل سرزمین فلسطین فعالیت می‌کردند، و شعر آنان فقط ناله و تضرع نبود، بلکه از اشعارشان بعنوان سلاحی برای تسلیم دشمنان استفاده کرده و انقلاب‌های عظیم و رویدادهای سیاسی بزرگ را در جهان اسلام رقم زده‌اند، و گروه دوم شاعرانی بودند که بیرون از خاک فلسطین برای این سرزمین و فلسطینیان شعر می‌سرودند (کنفانی، ۱۹۶۶: ص ۳۵).

هر دو گروه از این شاعران برای بیداری اسلامی در فلسطین، مضامین و مفاهیم مختلفی را در این زمینه مورد تأکید قرار داده‌اند؛ مضامینی همچون «میهن دوستی و ملیت‌گرایی، دین و باورهای مذهبی، پاسداشت زبان مادری و ستیز با زبان بیگانه، استقلال طلبی، اصالت‌گرایی و بازگشت به خویشن، ستم‌ستیزی، حمایت از مظلوم، نکوهش حاکمان جور و مقابله با استبداد، نکوهش بیگانگان، سرزنش بیگانه‌ستایان، رد لطف بیگانه، تکریم به مظاهر و شخصیت‌های دینی یا آرمانی، سرزنش استحاله فرهنگی، نکوهش خودباختگی، تشویق به مبارزه، مقابله با دشمن تا پای جان، ستایش مبارزان مردمی، ستایش شهادت، حفظ روحیه سلحشوری، ستایش دستاوردها و پیروزی‌ها، بردباری در راه هدف، تأکید بر توانمندسازی و حفظ هوشیاری، امیدبخشی و مبارزه با حس ناامیدی، سرزنش ترس از دشمن، صلح‌جویی و پرهیز از جنگ طلبی، نکوهش عافیت‌طلبی، آمادگی مقابله به مثل، مردم‌داری، دیگرخواهی و نیکخواهی، عدالت طلبی و...» (کافی، ۱۴۰۰: ص ۱۶۰). البته با توجه به شرایط خاص فلسطین، آنچه بیشتر از دیگر مؤلفه‌ها در اشعار شاعران متبلور شده عبارتند از: وطن‌دوستی، توصیف جنایت‌های دشمن، غفلت مردم و خیانت سران کشورهای عربی، دعوت به مبارزه و پایداری، شهادت، امید بخشی و مبارزه با حس ناامیدی.

۲-۱. وطن دوستی

عشق به وطن، یکی از اصلی‌ترین مضامین شعری در میان شاعران ادب پایداری است. وطن دوستی یکی از مهمترین عوامل زمینه‌ساز در پایداری در مقابل دشمن بوده است. در این میان، وصف وطن در اشعار شاعران، عامل اصلی در بیان بیداری مردم مظلوم فلسطین است؛ چرا که این مسأله به ویژه در شعر شاعرانی که سرزمین‌شان در آتش جنگ و استعمار سوخته، نمود بیشتری یافته است. علی فوده در اشعارش آشکارا از تعلق به وطن سخن می‌گوید:

«أما تدرینَ یا أمّی بانی عُدتُ للزیتون فی بلدی/ لأخلع شوکة المصباح من کبدی/ وأغرَس فوق قبرک زهرة النرجس...» (فوده، ۲۰۰۳: ص ۸۳). ترجمه: مادرم! آیا نمی‌دانی که من بخاطر زیتون (فلسطین) به سرزمینم بازگشتم/ تا خار چراغ را از کبدم خارج کنم/ و بر بالای قبرت شکوفه نرگس بکارم.

در اینجا شاعر از طریق خاصیت استعاری زبان، برای سرزمین فلسطین، زیتون را به عاریت می‌گیرد؛ چراکه در این مکان، زیتون به وفور یافت می‌شود. بنابراین شاعر وابسته به سرزمینش است و با آن بزرگ شده و بخاطر زیتون است که به آن جا بازگشته است. از سوی دیگر، درخت زیتون نماد صلح و آرامش است و شاعر می‌کوشد تا با اتخاذ رویکرد مسالمت‌آمیز، موجبات قوت قلب و نیز آرامش هم‌میهنان در سرزمینش را فراهم آورد. در این ابیات، "شوکة المصباح"، استعاره از هجمه‌هایی است که توسط رژیم اشغالی نسبت به سرزمین شاعر صورت می‌گیرد و باعث کدورت و اندوه مردم می‌شود.

یکی دیگر از شاعران فلسطینی که ندای عشق به وطن در اشعارش نمود خاصی دارد؛ عبدالکریم الکریمی مشهور به «ابوسلمی» است. از مهمترین عوامل سیاسی سرایش اشعار وطنی او، حضور یهودیان و حمایت بی‌دریغ استعمار انگلیس از آنان بود که وی را بر آن داشت تا برای تشویق مردم به قیام و ایستادگی در برابر آنان، اشعار وطنی پرنغزی بسراید. شاعر وطن را در قلبش می‌بیند و از اینکه از آن دور است، گلایه می‌کند؛ وی فلسطین را گران‌بهارتر از همه جهان می‌داند:

يَا وَطَنِي!... حَتَّامَ لَا نَلْتَقِي وَأَنْتَ فِي قُلُوبِنَا تَسْكُنُ
بَاعُوكَ بِخَسَالَتِهِمْ أَدْرُكُوا أَنْكَ مِنْ عَالَمِهِمْ أَثْمَنُ

ترجمه: «۱- ای وطنم! تا کی همدیگر را دیدار نکنیم؟! حال آنکه تو در قلب‌های ما جای گرفتی؛ ۲- تو را به قیمتی ارزان فروختند؛ ای کاش می‌دانستند که تو از جهان آنان، گران‌بهاتری.»

در اینجا شاعر با تلمیحی زیبا به داستان فروختن حضرت یوسف توسط برادرانش اشاره دارد که در قبال مبلغی ناچیز او را فروختند؛ بنابراین از این طریق، استعاره ای زیبا خلق کرده است که سرزمینش هم به مانند یوسف پیامبر (ع) به بهای ناچیزی فروخته شده است. در فرآیند این استعاره، فلسطین در نقش «مستعار له» و یوسف (ع) نیز مشبه به یا همان «مستعار منه» است و با اشاره به لوازم مشبه به یعنی (باعوک بخساً)، استعاره مصرّحه در بیت شکل گرفته است.

عشق ابوسلمی به سرزمین مادری اش پس از اشغال فلسطین، به قدری است که تبدیل به معشوقه اش می‌شود. در واقع باید گفت، غزلیات ابوسلمی به دنبال اشغال و طغش توسط دشمن صهیونیستی، تغییر ماهیت می‌دهد و فلسطین برای شاعر تبدیل به معشوقه زیبایی می‌شود که وی عاشقانه‌هایش را برای آن می‌سراید و در غم وصالش اندوهگین می‌شود:

لَمْ تُبْقِ ذِكْرَايَ غَيْرَ بَقِيَّةٍ وَبَقِيَّةُ الذِّكْرِ تَهَيِّجُ وُلُوعِي

(همان: ص ۱۳۳)

ترجمه: «مقدار کمی از یاد و خاطر تو در ذهنم باقی مانده است؛ و این اندک یاد از تو، اشتیاقم را به شور می‌آورد.»

صلاح‌الدین هواری، شاعر معاصر فلسطینی، وطن را به سان محبوب خویش دانسته که هر نوع رازی در آن خونین شده و در ادامه اعلام می‌کند که آیا کسی هست که نور دزدیده شده را به پنجره بازگرداند؟! آواز خواندن نمادی برای بیان کلمات حق است و پنجره، نماد رهایی و روزهای پرامید آینده است، سپس وی مردم را به خاطر اینکه مبارزه نمی‌کنند، سرزنش کرده و از گرد و غبار گرفتن تفنگ آنان سخن گفته که کنایه از عدم استفاده از آن است:

«يا حَبِيبِي كُلِّ سِرِّ فِيكَ يَدْمِي / هَكَذَا صَاحَ الْمَغْنِي / مَنْ يُعِيدُ إِلَى النَّوَاذِ صَوَّءَهَا الْمَسْرُوقُ / يَا قَمَرِ الْجَنُوبِ تَأَخَّرَ التُّفَّاحُ / هَذَا الْعَامُ / وَلَمْ تَحْمِلْ عَذَارَى التَّبَعِ / غَيْرَ الدَّمْعِ تَجْرِي تَحْتَهُ الْأَلْغَامُ / وَيَا نَارَ الْجَنُوبِ بَأَيِّ قَافِلَةٍ / سَتَرَبُطُ نَبْضُنَا؟! / قَوْلِي لِمَنْ رَبَطُوا السَّفِينَةَ بِالْغُبَارِ وَأَبْحَرُوا: / كَيْفَ اللَّجْوُ إِلَى بِنَادِقِكُمْ / عَلَى صَدَا الْغُبَارِ تَنَامُ؟» (هواری، ۱۹۹۸: ص ۴۲).

ترجمه: ای محبوب من! هر رازی در وجود تو زخمی می‌شود/ این گونه آواز خوان فریاد زد/

چه کسی نور دزدیده شده را به پنجره‌ها باز می‌گرداند / ای ماه جنوب درخت سیب تأخیر کرد / امسال / و حمل نکرد توتون بکر را / غیر از اشکی که در زیر آن، بمب‌ها جاری است / و ای آتش جنوب با کدام قافله / نبض مان را ربط به هم ربط دهیم / بگو به کسانی که کشتی را به غبار بستند و دریانوردی کردند / چگونه تفنگ‌هایتان پناه ببریم / که بر زنگار غبار می‌خوابد؟

نور دزدیده شده، اشاره‌ای است به نبود آزادی و خفقان و ظلمتی که رژیم صهیونیست در سرزمین‌های اشغالی برای ساکنان آن به ارمغان آورده، و از طرفی تأخیر رسیدن درخت سیب، به بی‌نظمی و هرج و مرجی اشاره دارد که در فلسطین بوجود آمده است. شاعر معتقد است که تنها راه‌هایی سرزمین‌های اشغالی از یوغ اشغال و استعمار، پیکار و مبارزه جانانه است. لذا توجه مردم را به غبار نشسته بر تفنگ‌ها معطوف می‌کند و آنان را فرامی‌خواند تا از طریق نبرد و پیکار، امید را در دل‌ها زنده کنند.

عبدالرحیم محمود، شاعر مبارز و معاصر فلسطینی، سیمای دل‌انگیز وطن را در هر جایی که قدم می‌نهد، حس می‌نماید. در حقیقت، هستی بسان آینه‌ای است که شاعر در گوشه گوشه آن، چهره زیبای فلسطین را می‌بیند. شاعر، آن‌گاه که به خورشید زیبا می‌نگرد، فلسطین را می‌بیند؛ وقتی به ماه چشم‌نواز خیره می‌گردد، وطن در نظرش تجسم می‌یابد؛ با وزش نسیم، بوی خوش میهن به مشامش می‌رسد؛ در خلوت تنهایی جویباران و در ساحل ناآرام دریای خروشان، رؤیای آرامش وطن را در خاطر می‌پروراند؛ او در میان اشک‌هایی که سکوت بغض‌آلودش را معنا می‌بخشند، عشق به وطن را این‌گونه زمزمه می‌نماید:

تراءى لى على بهجتها حيثما قلبت في الكون النظر
 في خرير الجدول الصافي وفي صخب النهر وأمواج البحر
 في هتون الدمع من هؤل النوى في لهيب الشوق في قلبي المستعر
 في ضياء الشمس في نور القمر في النسيم العذب في ثغر الزهر

(محمود، ۱۹۸۸: ۵۵)

ترجمه: ۱- آن‌گاه که در هستی نظر افکندم، وطنم (فلسطین) با تمام زیبایی خود بر من جلوه‌گر شد؛ ۲- (وطن بر من جلوه‌گر شد) در شُرُش جوی زلال آب، و در خروش رود و امواج

دریا ۳- (وطن بر من جلوه‌گر شد) در ریزش اشک از بیم فراق، در آتش شوق در آن حالی که در قلبم شعله می‌کشید؛ ۴- (وطن بر من جلوه‌گر شد) در روشنی خورشید و نور ماه، در نسیم زیبا، در لب شکوفه و گل.

شاعر برای تصویر سیمای سرزمنش به آرایه تشخیص و جان‌پنداری به اشیاء بی‌جان و گاه حس‌آمیزی روی آورده است؛ از همین رو شکوفه، لب دارد و شوق، شعله‌ور است و نسیم نیز گوارا می‌شود.

عشق به وطن آن چنان در روح و جان شاعر ریشه دوانده است که شاعر شادی و غمش را با او سهیم است. او آرامش سرزمین اشغال‌شده‌اش را رؤیای قلبِ دردمندِ خود می‌داند و بدون وطن حتی حاضر نیست وارد بهشت شود:

یا بلادی یا منی قلبی إن تسلمی لی أنتِ فالدهر هدز
لا أری الجنة إن أدخلتها وهي خلو منک إلا کسقر

(همان: ص ۵۵)

ترجمه: ای سرزمینم، ای آرزوی دل من، اگر از من گرفته شوی، روزگار (من) از بین رفته است. من اگر وارد بهشت گردم و آن بهشت از وجود تو خالی باشد، دیگر آن بهشت را نمی‌بینم و گویی آن بهشت برایم جهنم است.

شاعر در این دو بیت و در یک تشبیه ادبی، همراه با عاطفه و احساسات شاعرانه، وطن خود فلسطین را تمام آرزوها و اشتیاق خود می‌داند؛ به گونه‌ای که حتی در غیاب و طنش، راضی به بهشت هم نخواهد بود.

۲-۲. توصیف جنایت‌های دشمن صهیونیست

در شعر پایداری فلسطین و بیداری اسلامی در این سرزمین، جنایت‌ها، خشونت‌ها، تجاوزها و تعدیات دشمن به طور کامل و به شکلی زیبا ترسیم شده، تا هم ضمن تقویت محور مقاومت و تشویق رزمندگان به مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی و استکبار و استعمار و استبداد، زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه‌طلب به جهانیان معرفی شده باشد. علی‌فوده دشمنان فلسطین را مگسانی می‌داند که اگر در برابر آنها سکوت پیشه شود، به سرعت برای خوردن خون انسان

حمله‌ور می‌شوند. در قسمت دیگر نیز دشمنان را سگانی می‌داند که آرامش ملت فلسطین را سلب کرده‌اند:

«أنا مٌ عَلَى الرَّصِيفِ بَدُونِ أَنْ أَرْتَابَ / فَأَحْلُمُ أَنْ سَرَبَ دُبابٍ / سَيُوقِظُنِي .. / سَيُوقِظُنِي عَوَاءُ كِلَابٍ / فَأَنْهَضُ مَرَّةً أُخْرَى ...» (علی فوده، ۲۰۰۳: ص ۱۳۳). ترجمه: در پیاده‌رو می‌خوابم بدون اینکه بر چیزی شک کنم / و خیال می‌کنم که دسته مگس‌ها / مرا بیدار خواهد کرد.. / پارس سگ‌ها مرا بیدار خواهد کرد / پس دوباره بر می‌خیزم.

یکی از جنایت‌های دشمن صهیونیستی، سیاست یهودی‌سازی و ساخت شهرک‌های یهودی در اراضی فلسطینیان است. «خطر یهودی‌سازی، نگرانی شاعران زیادی را بر انگیزخته است و در اشعار خود این خطر را به مسلمانان هشدار داده‌اند» (روزبهرانی، ۱۳۸۹: ص ۵۹). علی فوده در این مورد می‌گوید:

«أَتَنْتَظِرِينَ خَلْفَ الْبَابِ؟ "خَشِّي يَا.."، أَتَنْتَظِرِينَ؟ / "خَشِّي يَا..". لِنَهْدِمَ مَا بَنَاهُ الْعَنْكَبُوتُ هُنَا بِرُكْنِ الدَّارِ مِنْذُ سِنِينَ!» (فوده، ۲۰۰۳: ص ۳۳۷). ترجمه: آیا از پشت در انتظار می‌کشی؟ بترس ای..، آیا انتظار می‌کشی؟ / بترس ای.. تا پایه‌های خانه‌ای که عنکبوت بنا کرده را ویران کنیم! منظور شاعر از عنکبوت در اینجا، رژیم غاصب اسرائیل است که بی بنیاد و سست است چرا که خانه عنکبوت سست‌ترین خانه هاست.

«ابوسلمی» در ابیات زیر، به انواع عذاب و سختی ملت فلسطین اشاره دارد؛ از زندان تا تبعید، از زنان بیوه شده و کودکان یتیم تا وطنی که گوشه گوشه آن قربانی ظلم و ستم تجاوزکاران شده است:

۱. قَوْمُوا انظُرُوا الْأَهْلِينَ بَيْنَ الْوَعْدِ ضَاعُوا وَالْوَعِيدِ
۲. مَا بَيْنَ مُلْقَى فِي السُّجُونِ وَبَيْنَ مَنْفِيٍّ شَرِيدِ
۳. أَوْ بَيْنَ أَرْمَلَةٍ تُؤَلِّوُلِ أَوْ يَتِيمٍ أَوْ فَقِيدِ
۴. قَوْمُوا انظُرُوا الْوَطْنَ الذَّبِيحَ مِنَ الْوَرِيدِ إِلَى الْوَرِيدِ
۵. تَتَرَا حَمَّ الْأَجْيَالِ دَامِيَةَ الْخَطِيءِ فَوْقَ اللَّحُودِ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ص ۲۴)

ترجمه: «۱- برخیزید و بنگرید اهالی را که در میان وعده و وعید گم شده‌اند. ۲- بین افتاده در زندان‌ها، و میان تبعید شده‌ آواره؛ ۳- یا میان بیوه‌ای که در حال زاری است؛ و یا یتیم یا

گم شده‌ای! ۴- برخیزید و بنگرید به وطنی که رگ به رگ قربانی شده است. ۵- نسل‌ها با گام‌های خونین بر بالای قبرها ازدحام کرده‌اند.»

شاعر معاصر سعودی، حسن قرشی، در بسیاری از قصائد خود، به توصیف جنایت‌ها و مصیبت‌هایی می‌پردازد که دشمن صهیونیستی بر ملت فلسطین وارد نموده است. او در قصیده‌ای با عنوان «مهد الإسرائ»، از مصیبتی که به مسجدالأقصی از جانب صهیونیست‌های اشغال‌گر رسیده است، به پروردگار خویش شکوه می‌برد؛ مصیبتی که هر قلبی را جریحه‌دار کرده و دل‌ها را می‌آزارد:

يا إلهي! ما حلّ بالقدس يفري / كلّ قلبٍ ويصدعُ الأكبدا/ غَالَهَا الخاسرونَ من وضح الصّبحِ /
وكم كحلّوا العيونَ سُهادا/ يا إلهي! يختالُ في المسجد الأقصي /... يهودٌ قد دَنَسوه كيدا/ أفترضي
أن يُستباحَ حِماةُ/ وهو مهدُ الإسرائ جَلَّ مهادا؟! /إيه حاشا، فأنْت من يَمْنَحُ النَّصرَ/ ويجلو الأسي
إذا الخطبُ زاداً» (القرشي، ۱۹۹۷: ص ۶۵۲/۲-۶۵۳)

ترجمه: «۱- پروردگار من! این چه (بلایی) است که بر قدس وارد شده است؛ مصیبتی که هر قلبی را شکافته و جگرها را می‌سوزند. ۲- صهیونیست در روشنایی سپیده‌دم بر آن یورش آوردند؛ و چه بسیار چشم‌هایی را که بر آنها، سرمه بیدار ماندن کشیدند. ۳- ای خدای من! در مسجدالأقصی، یهودیان با تکبر و غرور جای گرفته‌اند؛ همانانی که آنجا را با فریب و نیرنگ خویش آلوده ساخته‌اند. ۴- خدایا آیا راضی هستی که مسجدالأقصی که جایگاه شب اسراء است و برترین منزلگاه‌هاست، این چنین حریمش شکسته شود؟ ۵- هرگز! حاشا که این‌گونه نباشد! تو خدایی هستی که پیروزی را می‌بخشی و آنگاه که مصیبت‌ها فزون یابد، اندوه را از میان می‌بری.»

شاعر با ایهام، به داستان معراج (اسراء) پیامبر (ص) اشاره دارد که اکنون به اشغال یهود درآمده است.

۲-۳. انتقاد از غفلت مردم عرب و خیانت خائنان و حکومت‌های عربی

«شاعران مقاومت، پیوسته با نگاه ریزبین خود، وقایع پیرامون کشور را رصد و از ناهنجاری‌ها و روزمرگی‌ها انتقاد می‌کنند» (کارآمد و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۱۹). اشغال فلسطین و تعرض به مسجد الاقصی، اولین قبله و سومین مکان مقدس مسلمانان و توهین به مقدسات مسلمانان و

قتل و عام مردم بی گناه این سرزمین، وجدان‌های بیدار را در سراسر جهان متاثر ساخت. اما بر خلاف انتظار، بر جامعه عرب سکوت مرگباری حاکم شده بود که برای شعرا و نویسندگان غیر قابل تحمل بود. بنابر این برای تداوم پایداری و تقویت جبهه مقاومت بازتاب خیانت‌های سران عرب و سکوت و انفعال مردم کشورهای عربی در آثار شعرا و ادبا یک ضرورت اجتناب ناپذیر بود.

علی فوده به عنوان یک فلسطینی، به انتقاد از وضع موجود ملت عرب و سکوت و سستی آنها در برابر سلطه جویان و به خصوص «اسرائیل» پرداخته است. او در ابتدا از آوارگی خود از جانب صهیونیسم سخن گفته و در ادامه از اشتیاقش برای ادامه مبارزه سخن به میان می‌آورد که به تنهایی قادر به آن نیست؛ بنابراین خواهان همراهی ملت‌های عرب می‌باشد؛ ولی وقتی آنها به علت ترس از صهیونیسم، او را تنها می‌گذارند، زبان به سرزنش آنها می‌گشاید:

«جئتكم طريداً.. وجهتي للشرق/ جئتكموا.. في دمائي البرق/ مزدحمًا كماء النهر جئتُ
أزلزلُ الأقدام/ فاجأني دمي في قلب «بيروت» الحبيبة/ ما تحرك ساكنُ فيكم/ وقفتم ترقبون دمي
المراق/ فآه يا دمي!..» (فوده، ۲۰۰۳: ص ۲۴۶). ترجمه: آواره به سوی شما آمدم و در برابرم تمام
شرق قرار داشت/ به سوی شما آمدم در خونم برقی انبوه همچون آب رودخانه وجود داشت/
آدمم تا گام‌ها را به لرزه در بیاورم/ به ناگاه خونم مرا در دل «بیروت» عزیز قرار داد/ و کسی از شما
حرکتی نکرد/ و شما جاری شدن خون مرا نظاره می‌کردید/ آه و افسوس ای خون من...

وانلی، شاعر معاصر عراق، حاکمان عربی را توصیف می‌کند که جز نوکری پنهان و آشکار یهود، کار دیگری از آنها ساخته نیست؛ درندگانی که به قیمت خواری و بندگی خود، پُل پیشرفت صهیونیسم گشته‌اند. شاعر آنها را متهم می‌کند که در قالب شعار پیشرفت، ملت را هرچه بیشتر به عقب سوق می‌دهد. وانلی، چنان به سرزنش حاکمان می‌پردازد که نوعی احساس تنفر از ضعف و وطن‌فروشی آنان را به خواننده منتقل می‌کند:

۱- رُؤسَاءَ عَلَي الشُّعُوبِ سَبَاعٌ وَ نِعَالٌ خُدُودُهُمْ لِيَهُودِ
۲- فِي شِعَارٍ تَقْدُمِي بِلَفْظٍ وَ فِعَالٍ رَجِيعَةِ التَّجْسِيدِ

(الوانلی، ۲۰۰۵: ص ۵۳)

(ترجمه: ۱- رهبران امت برای ملت‌های خود همچون حیوانات درنده‌اند؛ در حالی که

صورت‌هایشان زیر کفش‌های یهودیان است. (زیر یوغ یهودیان هستند) ۲- در شعارهایشان به ظاهر دم از پیشرفت و ترقی می‌زنند، اما اعمالشان عقب ماندگی را برای ملت محقق می‌سازد. به دنبال انقلاب ملت فلسطین در سال ۱۹۳۶ که بر علیه استعمارگران انگلیسی بود، برخی از پادشاهان و حاکمان کشورهای عربی، با انتشار بیانیه‌ای، فلسطینی‌ها را به دوری از تظاهرات فرا خواندند و کشور انگلیس را کشوری دوست و قابل اعتماد دانستند که سعی در برقراری عدالت در فلسطین دارد! در این زمان بود که اشعار «ابوسلمی»، تبدیل به «بمب‌هایی شد بر سر تباه‌کنندگان فلسطین و کسانی که با آن قضیه معامله می‌کردند و در ظاهر، نسبت به آن دلسوزی اظهار می‌داشتند. کسانی که بر ملت‌شان و عربیت و دینشان خیانت کردند و در حالی که شعار انقلابی می‌دادند، به نام ملت‌ها، ملت‌ها را گمراه ساختند» (السوافیری، ۱۳۸۳: ۲۱۸). این خیانت‌ها از سوی دوست‌نماها، ابوسلمی شاعر مبارز فلسطینی را بر آن می‌دارد تا در مقابل این ذلت حاکمان عرب، قصیده‌ای با عنوان «لهب القصید» (الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۰ به بعد) را بسراید. شاعر از سران عربی که فریفته و عده‌های خوارکننده یهود شده‌اند، انتقاد می‌کند:

سُحِقًا لِمَنْ لَا يَعْرِفُونَ سِوَى التَّعَلُّلِ بِالْوَعْدِ وَأَذَلَّهُمْ وَعَدُّ الْيَهُودِ وَلَا أَدَلَّ مِنَ الْيَهُودِ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ص ۲۱)

ترجمه: ننگ باد بر آنان که جز مشغول بودن به وعده‌های (تو خالی و دروغ)، چیزی دیگر نمی‌شناسند؛ و وعده‌های یهود آنان را زبون نموده است و خوارتر از یهود، کسی دیگر نیست. ابوسلمی از جمله شاعرانی است که خائنان به سرزمین و فروشندگان زمین به دشمنان را مورد سرزنش قرار داد و آنان را خائن می‌خواند (عطوات، ۱۹۹۸: ۱۲۷-۲۰۵). «ابوسلمی» به آنان که آب در آسیاب دشمن می‌ریختند و پرچم‌دار ننگ و عار بودند، یادآور می‌شد که از میدان خارج شوند و کار ملت را به خودشان واگذارند؛ تا ملت تدبیری بیندیشند، به پا خیزند و با انقلاب خود، در فروپاشی و نابودی دشمن، موفقیتی کسب نمایند:

- ۱- أَيُّهَا الْحَامِلُونَ الْوَيْةَ الْعَارِ!... تَخَلُّوا عَنِ حَوْمَةِ الْمِيدَانِ
- ۲- سَلِّمُوا الشَّعْبَ أَمْرَهُ وَاسْتَرِيحُوا يَا حُمَاةَ الْأَصْنَامِ وَالْأَوْثَانِ
- ۳- كُلُّ جَيْشٍ يَكُونُ حَرْبًا عَلَى الشَّعْبِ، ذَلِيلٌ، إِذَا التَّقَى الْجَمْعَانَ
- ۴- كُلُّ يَوْمٍ تُجَدِّدُونَ الشَّعَارَاتِ، فِرَارًا مِنْ أَمَةِ الْوَجْدَانِ

۵- بَعْدَ حَرْبِ التَّحْرِيرِ قَدْ أَصَحَّ الْيَوْمَ شِعَارًا، إِزَالَةُ الْعُدْوَانِ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ۳۰۹)

ترجمه: «۱- ای ای حاملان پرچم‌های ننگ و عار!.. فضای میدان (مبارزه) را خالی کنید. ۲- ای حامیان بت‌پرستی و شرک! کار ملت را به خود آنان واگذارید و خود، راحت و آسوده باشید. ۳- هر لشکری در روز نبرد علیه این ملت، بی‌گمان خوار و ذلیل خواهد بود. ۴- شما در هر روز و برای فرار از سرزنش و عذاب وجدان خود، شعارهای جدیدی سر می‌دهید. ۵- پس از جنگ برای آزادی (فلسطین)، امروز زدودن تجاوز دشمن، به شعار تبدیل شده است.»

پرچم در زبان شعر نشان از سرافرازی و پیروزی دارد و به اهتزاز در آمدن آن نشان از افتخار و هويت است اما در اینجا پرچم، پرچم ننگ و عار و عیب است چرا که مردمشان را فروخته اند و برایشان ارزشی قائل نشده اند.

عبدالرحیم محمود از شاعرانی است که بخش عمده‌ای از اشعار خود را وقف بیداری هموطنانش نموده است. او با انتقاد از غفلتی که گریبان‌گیر هموطنانش شده و با اشاره به ظلم و ستمی که در پی این غفلت بر آنان تحمیل گردیده است، از مردم می‌خواهد که درنگ نکنند و از خواب غفلت برخیزند:

بني أمّتي أفيقوا من رقادٍ فما بعد التّعسفِ من رقاد

(محمود، ۱۹۸۸: ص ۴۵)

ترجمه: (ای هموطنان، از خواب غفلت برخیزید، بعد از ظلمی که در حق شما می‌شود، خواب جایز نیست).

در این بیت، شاعر با تشبیه ناآگاهی مردم از اوضاع موجود و عدم تحرک و اقدام لازم و کافی در برابر دشمنان، به کسانی که در خواب به سر می‌برند، با کاربست زبانی استعاره، در صدق هشدار و بیدارباش به ملت خویش است تا آنان به خود آیند و در برابر ظلم و جور و ناعدالتی از سوی دشمن بایستند.

۲-۴. تشویق به مبارزه و پایداری

دعوت به مبارزه و ایستادگی در مقابل ظلم و جور و استبداد و استعمار یکی دیگر از درونمایه

های پرکاربرد ادبیات مقاومت است و این درونمایه رکن ادبیات مقاومت بشمار می رود که بدون تردید اغلب شعرا روی آن خیلی تمرکز کرده اند. سید قطب، ادیب نامور مصری، موضوع فلسطین را در قالبی هنری در اشعار خود بازتاب داده است. او در سال ۱۹۳۱، به مناسبت انتفاضه‌ی ملت فلسطین و حوادث خونین پس از آن، قصیده‌ای با عنوان «إلى البلاد الشقيقة» سرود و در آن با زبانی حماسی، همگان را به جهاد در راه آزادی فلسطین فرا خواند. او معتقد است که نهال آزادی، تنها با ریخته شدن خون، به ثمر خواهد نشست و زندگی همراه با عزت و افتخار را برای یک ملت، به ارمغان خواهد آورد:

عَهْدٌ عَلَى الْإِيَّامِ إِلَّا تُهَزَّمُوا فَالْتَصْرُ يُبَيِّتُ حَيْثُ يُهْرَاقُ الدَّمُ
فِي حَيْثُ تَعْتَبِطُ الدَّمَاءُ فَأَيَّقُوا أَنْ سَوْفَ تَحْيُوا بِالدَّمَاءِ وَتَعْظُمُوا

(قطب، ۱۹۹۲: ص ۲۷۹)

(بر روزگار این عهد بسته شده است، که شکست نخواهید خورد؛ چرا که پیروزی، در جایی که خون ریخته شود، بارور می گردد. و در آنجا که خون‌ها با اختیار ریخته می شود، پس یقین حاصل کنید که با چنین خون‌هایی، زنده و بزرگ خواهید شد.)
شاعر پیروزی را چون بذری دانسته که می روید و بعد از کاشته شدن ثمر می دهد به شرطی که آبیاری آن به جای آب با خون باشد.

او سپس به موضوع استقلال مردم فلسطین اشاره می کند؛ چرا که «آنها می خواهند دولتی مستقل و آزاد داشته باشند، و در راه تحقق این هدف، در برابر بدترین شکل اشغال و نژاد پرستی مبارزه می کنند» (حاج ابراهیمی، ۱۳۷۶: ص ۱۹۳). وی تنها راه رسیدن به چنین هدفی را مبارزه و شهادت می داند؛ از نظر سید قطب، ترس و عقب نشینی از دشمن، مفهومی ندارد:

تَبْغُونَ الاستِقْلَالَ؟ تِلْكَ طَرِيقُهُ! وَلَقَدْ أَخَذْتُمْ بِالطَّرِيقِ فَيَمَّمُوا
وَمَثُو الْجِهَادِ حِمِيَّةً جَسَامَةً مَا إِنْ تَخَافُ مِنَ الرَّدَى أَوْ تَحْجُمُ

(همان: ص ۲۷۹)

(استقلال می خواهید؟ این راه آن است! شما هم (ای ملت فلسطین) این مسیر را برگزیده اید،

پس اراده‌ی خود را به کار گیرید ۲- و آن جهادی است که همراه با تعصب (برای وطن) و تحمل (سختی‌ها) است، که از مرگ نمی‌هراسد، و عقب‌نشینی نیز نخواهد کرد.)

در زبان شعر، کلمات وارد رستاخیزی می‌شوند که زیبایی می‌آفرینند؛ به طوری که جهاد در قامت شخصی غیرتمند و متعصب، جلوه می‌کند که نه از مرگ هراسی دارد و نه عقب‌نشینی در قاموسش معنا دارد.

سید قطب موضوع فلسطین را، جدال میان شرق و غرب به شمار می‌آورد و خون‌های ریخته شده در میان مبارزان مشرق‌زمین را به زیان استعمار می‌داند؛ زیرا به باور وی، روزی این خون‌ها نابودی دشمن را به بار خواهد آورد:

السَّارِقُ يَا لِّلشَّرْقِ تِلْكَ دِمَاؤُهُ وَالْغَرَبُ يَا لِّلْغَرْبِ يُضْرِبُهُ الدَّمُ
لَمْ الشَّرْقُ وَيَحِ الشَّرْقُ كَيْفَ تَقْمُوا بِنَبِيِّ دِكْرَايَ غَيْرُ بِنِيَّةٍ حُرْمَاتِهِ الْكُبْرَى وَكَيْفَ تَهْجَمُوا

(قطب، ۱۹۹۲: ص ۲۷۹)

(شرق! و شگفتا از شرق! این خون‌های ریخته‌شده اوست؛ و غرب، و شگفتا از غرب! که (روزی) این خون‌ها به او زیان خواهند رساند. - شرق و وای بر شرق! که چگونه حرمت‌های والای آن را پایمال کردند و چگونه بر او هجوم آورده‌اند؟

علی فوده بیان می‌کند که ملت فلسطین برای ادامه مقاومت از جان و مال‌شان خواهند گذشت و نسلی را پرورش خواهند داد که انقلابی عظیم برپا خواهد کرد و صهیونیسم را ریشه‌کن خواهد نمود:

«وَأُمِّي (ياسمينة)».. تعرفُ الأيتام والشهداء في «قتير».. تعرفهم/ وتعرف كيف باعت خاتماً، حلقاً وإسواراً لتصنع من بنات الجيل ثواراً وتعرف كيف تضرم ثورة كبرى....» (فوده، ۲۰۰۳: ص ۱۲) ترجمه: مادرم «گل یاسمین» است.. / او یتیمان و شهیدان «قتیر» را می‌شناسد... / می‌داند چگونه انگشتر، زیورآلات و دستبندها را می‌فروشند/ تا از نسل نوظهور، انقلابیونی بسازد/ و می‌داند که چگونه انقلابی بزرگ ایجاد کند.

شاعر از مادرش گل یاسمینی تجرید کرده است که در پی مقاومت است و می‌خواهد آن را به نسل جوان آموزش دهد؛ برای این کار حتی از فروختن زیورآلاتش هم دریغ ندارد؛ در یک تشبیه بلیغ "مشبه به" یعنی گل یاسمین، ویژگی انسانی به خود می‌گیرد و برای پایداری و مقاومت

آماده می‌شود.

شاعر معاصر عراقی، احمد وائلی، جوانان فلسطینی را به عملیات فداکاری تشویق می‌کند و در عین حال به صهیونیست‌ها هشدار می‌دهد که قصه اشغالگری آنان هم روزی به پایان خواهد رسید (منفرد، ۱۳۸۸: ص ۳۴)؛ وائلی در این زمینه چنین می‌سراید:

وَ مَضَى أَمْسٌ بِالْمَرَضِ فَدَعَهُ
أَنْ تَحُطَّ الْفُتُوحُ كَفُّ الْفِدَائِي
إِيَّاهُ صَهْيُونِ! يَا وَلَادَةَ بَغْيِ
خَفَّفِي التِّيَّهَ لَا يَغْرُكَ عَرَسُ
وَ سَلَّ الْيَوْمَ أَنْ تَقُومَ الصَّحَاخُ
وَ أَنْ يَعْرِفَ النَّشِيدُ
أَبَاهَا خِيَانَةً وَ اجْتِرَاحُ
أَنْتَ فِيهِ فَقَدْ يَلِيهِ نِيَاخُ

(الوائلی، ۲۰۰۵: ص ۳۵۱-۳۵۴)

ترجمه: دیروز را که به بیماری گذشت رها کن و از امروز بخواه که تندرست و سلامت برخیزی. - تا دستان شهادت‌طلبان، طرح پیروزی را بریزد و اسلحه، سرود مقامت و پایداری سر دهد. - ای اسرائیل! ای فرزند ظلم که از زوجی به نام خیانت و گناه زاده شدی ۴- غرور و تکبرت را کم کن و به این مجلس شادی که در آن هستی، غره مشو؛ چرا که ممکن است به دنبال این شادی اندوهی در پی باشد.

از نظر «ابوسلمی» شاعر فلسطینی، جای هیچ‌گونه سازش با دشمن اشغال‌گر نیست؛ چرا که او تنها راه آزادی را خون‌هایی می‌داند که در این راه ریخته شده‌اند و حیات واقعی تنها با مبارزه پیگیر حاصل خواهد شد:

حَرِيَّةُ الْإِنْسَانِ بِالدِّمِّ تُشْتَرَى لَا بِالْوَعْدِ
طُرُقُ الْحَيَاةِ مَزَيِّنَاتٌ بِالطُّبِيِّ لَا بِالْوُرُودِ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ص ۲۵)

ترجمه: آزادی انسان نه با وعده‌ها، بلکه تنها با خون خریداری می‌شود؛ راه‌های زندگی نیز نه با گل‌ها، بلکه با شمشیرهای برنده مزین شده است.
از همین رو، طبق نظر شاعر، اگر ملتی آزادی خود را با خون خریداری نماید، هیچگاه ضرر نخواهد کرد و به آرمان خود خواهد رسید:

وَكُلُّ شَعْبٍ تَأْتِرُ يَشْتَرِي وَ حُرِيَّةً بِالْذَّمِّ لَا يُغْبَنُ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ص ۲۵)

ترجمه: و هر ملتی انقلابی که آزادی را با خون خریداری کند، ضرر نخواهد کرد. شاعر در این جا و بیت قبلی، کالای خود را آزادی معرفی می‌کند و قیمت آن را هم با خون می‌پردازد؛ بنابراین طبق استعاره دست به آشنایی زدایی زبان معمول زده است و زیبایی خاصی در شعر خود آفریده است.

از میان شاعران فلسطینی، افرادی نیز بودند که علاوه بر اشعار پایداری در موضوع فلسطین، خود نیز وارد معرکه مبارزه شدند. از جمله آنها «عبدالرحیم محمود» شاعر مبارز فلسطینی بود که در مخالفت با سیاست‌های ظالمانه‌ی اشغال‌گران، به سلاح شعر بسنده نمی‌کند و خود نیز پای در میدان جهاد و مبارزه می‌نهند و عاشقانه فریاد جان‌فشانی سر می‌دهد:

سَأَحْمَلُ رُوحِي عَلَي رَاحَتِي وَأَلْقِي بِهَا فِي مَهَاوِي الرَّدَى
فَمَا حَيَاةٌ تَسُرُّ الصِّدِيقَ وَإِمَا مَمَاتٌ يُغِيظُ الْعِدَى

(محمود، ۱۹۸۸: ۳۱)

ترجمه: (۱- روحم را بر کف دستم حمل خواهم نمود و آن را در فضای جنگ پرتاب می‌نمایم. ۲- (با این کارم) یا زنده خواهم ماند و دوستان خوشحال می‌شوند و یا می‌میرم و دشمنان عصبانی می‌شوند.) گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در عالم خیال، جان را بر کف می‌توان گرفت و به میدان مبارزه و قتلگاه رفت؛ پس شاعر جان بر کف گرفته و به مبارزه می‌رود، حال یا زندگی با آبرو می‌یابد و یا مرگ را برای خود به ارمغان می‌آورد که سبب خشم دشمنان است.

۲-۵. ایثار و شهادت

ایثار و شهادت یکی دیگر از پررنگ‌ترین و با اهمیت‌ترین درونمایه‌ها در شعر معاصر فلسطین است و از قداست بالایی برخوردار است که این قداست از قرآن مجید سرچشمه گرفته است که می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/

۱۶۹)). «شهادت مرگی است انتخاب شده؛ مرگی که خود انسان به سوی آن می‌رود، نه آن‌که به سوی انسان بیاید و اهمیت و ارزش شهید و شهادت نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد» (کارآمد و شمس‌آبادی، ۱۳۹۶: ص ۸۱).

علی فوده از مبارز فداکاری یاد می‌کند که با ظهور دوباره اش، موجب نابودی دشمن غاصب خواهد شد و امید به مبارزه و روحیه فداکاری و ایثارگری را در میان آنان به اوج خواهد رساند: «تَطَّلُعُ مِنَ ذَاكِرَةِ اللَّيْلِ الدَّامِيَةِ/ يَا بَا جَسْ/ تَطَّلُعُ مِنْ أَنْفَاسِ الْحَرِّ اللَّاهِبِ، مِنْ خَلْجَاتِ/ الْبِرْدِ الْقَارِسِ/ يَا بَا جَسْ/ تَطَّلُعُ دَالِيَةً/ أَوْ قَبْلَةً...» (فوده، ۲۰۰۳: ص ۲۶۸-۲۶۹). ترجمه: تو از حافظه شب خونین طلوع می‌کنی/ ای باجس/ از نفس‌های گرم شعله‌ور طلوع می‌کنی/ از درون سرمای سوزناک طلوع می‌کنی/ ای باجس/ غضبناک/ یا همچون بمبی طلوع می‌کنی. «ابوسلمی» با اشاره به یکی از شهیدان جبهه مقاومت فلسطین «فرحان سعدی»، به حالت معنوی وی پرداخته که عبادت برای خدا را با جهاد در راه او آمیخته است:

۱. قَوْمُوا أَنْظُرُوا «فَرْحَانَ» فَوْقَ جَبِينِهِ أَثَرَ الشُّجُودِ

۲. يَمْشِي إِلَى حَبْلِ الشَّهَادَةِ صَائِمًا مَشِي الْأُسُودِ

۳. سَبْعُونَ عَامًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْحَقُّ التَّلِيدِ

۴. خَجَلَ الشَّبَابِ مِنَ الْمَشِيبِ بَلِ السُّنُونِ مِنَ الْعُقُودِ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ص ۲۴)

ترجمه: ۱- برخیزید و (فرحان) را بنگرید که بر پیشانی‌اش، اثر سجده است. ۲- در حالی که روزه است؛ اما به سوی ریسمان شهادت، همچون شیر رهسپار می‌شود. ۳- هفتاد سال در راه خدا و حقیقت واقعی. ۴- جوانان از پیری و سال‌ها از پیمان‌ها شرم دارند.

در این جا ریسمان شهادت، اضافه تشبیهی است؛ یعنی شهادت چون ریسمانی است که انسان را به بالا می‌کشاند و اوج می‌دهد، همچنین روزگار همانند انسانی فرض شده که از عهد و پیمان‌های شرم‌آور سران عرب، شرمگین است؛ البته این روزگار نیست که شرمگین است، بلکه مردم زمانه هستند که شرم دارند. در این گزاره می‌توان از نشانه‌های زبان بدن فرحان که در پیشانی وی برجستگی دارد، دریافت که وی رزمنده‌ای با ایمان راسخ است و می‌کوشد تا با توکل و تمسک به ارزش‌های دینی، حقوق بر باد رفته هم و وطن را اعاده نماید.

«ابوسلمی» شهید را بیگانه ستیز و جاودان همیشه زنده‌ای می‌داند که همواره ندایش به گوش

می‌رسد:

فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ شَهِيدٌ خَالِدٌ هُوَ مَنْ يُّنَادِي لَا تُرِيدُ دَخِيلًا
قُمْ يَا شَهِيدَ الْقَوْمِ وَاخْطُبْ فِي الْوَرَى أَصْبَحْتَ حَيًّا مُدَّ غَدَوْتَ قَتِيلًا

(همان: ص ۱۸)

ترجمه: ۱- در هر ناحیه‌ای، شهیدی جاویدان (خفته) است که ندا سر می‌دهد: بیگانه‌ای را نمی‌خواهیم. ۲- ای شهید ملت به پا خیز و در میان مردم خطبه سر ده! چرا که هنگامی که کشته شده‌ای، زندگی (دوباره) یافته‌ای.»

مصراع پایانی بیت دوم، اقتباسی معنوی از این آیه مبارکه است که می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹): ترجمه: «و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند کرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

در شعر عبدالرحیم محمود، خون شهید آن چنان قداستی دارد که به سرزمین فلسطین، جلوه‌ای زیبا بخشیده و نسیم آن جا را با بوی خوش خود معطر ساخته است:

كسَادُهُ الْأَرْضَ بِالْأَرْجَوَانِ وَأَثْقَلَ بِالْعَطْرِ رِيحَ الصَّبَا
وَعَفَّتْ مِنْهُ بِهِيَّ الْجَبِينِ وَلَكِنْ عَفَّارًا يَزِيدُ الْبَهَا

(محمود، ۱۹۸۸: ص ۳۲)

ترجمه: ۱- خون شهید به رنگ ارغوان، زمین را پوشاند و باد صبا را با عطر خوش خود، گران‌بار نمود. ۲- و زیبا روی پیشانی بلند به خاطر شهید، خاک‌اندود گشت؛ اما خاک‌اندود شدنی که بر زیبایی و جمال او بیشتر افزود.

شاعر با تشبیه خون شهید به رنگ سرخ ارغوان، وجود شهید را به قدری عطر آگین و خوشبو می‌داند که بسی ارزشمندتر از نسیم فرحبخش صبا است. زیبایی حیرت‌افزای وجود مقدس شهید، هر زیارویی را در برابرش کم‌ارزش می‌گرداند.

۲-۶. امید به آزادی فلسطین

«از جمله ویژگی‌های ادبیات پایداری، عبارت است از احیاء امید به پیروزی در قلوب مردمان. ادیب متعهد در این عرصه می‌کوشد تا با زنده نگه‌داشتن روح امید، از بروز خمود و سستی در وجود مجاهدان و مبارزان جلوگیری کند» (کارخانه و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۹۲). از همین رو، یکی دیگر از مهمترین موضوعات شعر بیداری و پایداری، ترسیم لحظات خوش پیروزی است که روحیه دلآوری و شجاعت و مقاومت را تقویت می‌کند و امید را برای ملت فلسطین به ارمان می‌آورد. شعرا برای زنده نگه داشتن امید از ابزارهای مختلفی بهره جستند چرا که امید در روح مثل خون در جسم است. علی فوده در این مورد چنین می‌سراید:

«أرى الطيور/ جائمةً في غاية الحزن تغنّي الانتصار...» (فوده، ۲۰۰۳: ص ۴۱۹) ترجمه: پرندگان را می‌بینم که در نهایت اندوه بر زمین افتاده و آواز پیروزی سر می‌دهند. شاعر با دیدن کاهلی سران عرب در آزادی فلسطین، دست به دامان پرندگان می‌شود و آنها را اندوهگین می‌یابد که داغ آزادی در دلشان است و سخن پیروزی بر دهانشان جاریست. شاعر در اینجا پرندگان را نیز همسو با رویکرد آزادی‌خواهانه خویش می‌بیند. لذا معتقد است که باید با اتحاد و یکپارچگی برای آزادی میهن، دست به کار شد و امیدی به اقدام حاکمان بی‌تدبیر نیست. در سروده‌های انقلابی «ابوسلمی» خواهیم یافت که وی از پس ابرهای تیره نومیدی و سرخوردگی که آسمان چشمان مردم تحت ستم و جور را فرا گرفته است، به طلوع فجر آزادی ایمان دارد و به درخشیدن بارقه‌های پیروزی در فضای غبارآلود سرزمینش امیدوار است؛ چرا که «انقلابی‌گری به معنای آن است که شاعر طالب تغییر وضع موجود است، در این صورت، بدیهی است که وضع مطلوبی را مد نظر دارد و امیدوار به رسیدن به آن است» (النقاش، ۱۹۷۲: ص ۹۱) از همین رو، «گستره ایمان و آرزو با امید بازگشت به وطن، بیش از هر چیز در ابیات شاعر وسعت می‌یابد» (الجیوسی، ۱۹۹۷: ص ۴۵۱)؛ و در ابیات زیر چنین می‌سراید:

وَيَسْأَلُنِي الرَّفَاقُ اللَّقَاءَ وَهَلْ مِنْ عَوْدَةٍ بَعْدَ الْغِيَابِ
أَجَلٌ سَنُقَبِّلُ الثَّرْبَ الْمَنْدَى وَفَوْقَ شَفَاهِنَا حُمْرُ الرَّغَابِ
عَدَاً سَنَعُودُ وَالْأَجْيَالُ نَصْغِي إِلَى وَقَعِ الْحُطَا عِنْدَ الْإِيَابِ

مَعَ الْأَمَلِ الْمُجَنِّحِ وَالْأَغَانِي مَعَ النَّسْرِ الْمُحَلَّقِ وَالْعُقَابِ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ص ۱۲۲)

ترجمه: «۱- دوستان از من درباره دیدار (مجدد) می پرسند و آیا پس از غیبت، امیدی به بازگشت هست؟ ۲- بله! خاک نمناک (وطنم) را خواهیم بوسید؛ در حالیکه بر لب‌های ما، امیدهای سرخ‌رنگ نقش بسته است. ۳- فردایی باز خواهیم گشت و نسل‌ها به صدای گام‌های ما به هنگام بازگشت، گوش خواهند داد. ۴- همراه با آرزوهای دور و دراز و ترانه‌هایی با کرکس‌ها و عقاب‌های به پرواز درآمده در آسمان!»

شاعر امید به بازگشت را برای مهاجران و آوارگان سرزمینش، چنان زنده می‌کند که سرانجام با کمک خلبانان شجاع که به صورت استعاری در واژه‌های النسر و العقاب، در شعر مزین شده است؛ سرزمین‌شان را از چنگ یهود بیرون می‌کشند و خود به آنجا بر می‌گردند.

«ابوسلمی» با انتقاد از کسانی که به خاطر مصیبت اشغال فلسطین، اشک از چشمان خود

جاری ساخته و نومید شده‌اند؛ آنان را به امیدواری و حرکت به جلو فرا می‌خواند:

أَيُّهَا الْبَاكِي وَهَلْ يُجِدِي الْبُكَاءَ بَعْدَ مَا أَصْبَحْتَ فِي كُلِّ مَهَبِّ
كُفِّفِ الدَّمْعَ وَسِرِّ فِي أَفْتٍ حَافِلٍ بِالْأَمَلِ الصَّاحِكِ رَحْبِ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ص ۱۲۲)

ترجمه: «۱- ای برادر گریان! و آیا پس از آن که در هر موقعیت (سختی) قرار گرفتی، گریه سودمند خواهد بود؟! ۲- از گریستن بازایست و به سوی افقی آکنده از آرزوهای گسترده و خندان حرکت کن.»

شاعر در این دو بیت، با بهره‌گیری از استفهام انکاری، گریستن و نومیدی از اوضاع پیش‌رو را بی‌فایده و نادرست می‌داند؛ او از مخاطب فلسطینی و مبارز خود می‌خواهد که با امید بسیار به آینده، خندان و پرتوان به پیش برود و موانع را از سر راه خود بردارد.

حسن قرشی، شاعر معاصر سعودی، در قصیده‌ای با عنوان «رُبِّي الْقُدْسِ» (تپه‌های قدس)، به گفتگو با قدس می‌پردازد و به او نوید این را می‌دهد که به زودی، اشغال‌گران نابود خواهند شد و پرتو آزادی بر آن سرزمین طلوع خواهد کرد و فلسطین از چنگال دشمنان صهیونیست آزاد

خواهد شد:

يَعَزُّ عَلَيَّ غَاصِبِيكَ الْبَقَاءُ وَلَوْ حَشَدُوا الْعِجْنَ جَيْشًا لَنَا
سَنَرَفُعُ عَنْكَ قَيْوَدَ الظَّلَامِ فَحَاشَا ضِيَاؤُكَ أَنْ يُسَجَّنَا
رَبِّي الْقُدْسِ يَا مَهْيَعَ الذِّكْرِيَّاتِ وَمَجَلَى النُّبُوتِ إِنَّا هُنَا
فِدَاؤُكَ مَا تَلِدُ الْأُمَّهَاتُ وَتُ حَتَّى نُحَقِّقَ فِيكَ الْمُنَى!

(القرشی، ۱۹۹۴: ۲/۵۳۰-۵۳۱)

ترجمه: ۱- بر غاصبان تو، ماندگاری سخت و دشوار است؛ حتی اگر پریان را بر علیه ما بسیج نمایند. ۲- قید و بندهای تاریکی را از تو برمی داریم؛ پس حاشا اگر روشنایی و درخشش تو، پنهان و زندانی بماند. ۳- ای تپه‌های قدس! ای منزلگاه خاطره‌ها و خواستگاه پیامبران! ما اینجاییم. ۴- هر فرزندی را که مادران می‌زایند، فدای تو باد؛ تا آن زمان که آرزوهایت محقق گردد.

در نهایت شاعر برای سرزمین قدس، هر چه دارد را فدا می‌کند و با خود عهد می‌بندد که ماندن برای غاصبان سخت خواهد شد، اگر چه جنیان را هم به کمک گیرند؛ اینجا سرزمین پیامبران است و خاطرات خوشی را برای ما زنده می‌کند.

نتیجه

شعر معاصر فلسطین، میراث فکری گرانبها و ثروت عظیم هنری، در به ترسیم کشیدن مظلومیت یک ملت در برابر ظلم و تجاوز است. همزمان با اشغال فلسطین بدست یهودیان و قدرت یافتن آنان و بیرون راندن مردم از سرزمینشان و سکوت سران و بزرگان عرصه سیاست و سلطنت کشورهای عربی، شرایط جدیدی برای فلسطین ایجاد شد و رنج روز افزون نصیب آنان گشت. در اثر این وضع، شعرا برآن شدند تا سلاح قلم برگزینند و با افرینش آثار ارزشمند، به دفاع از ملت مظلوم فلسطین و هویت آنان بپاخنند، تا بدین گونه رسالت خود را به انجام رسانند. مهمترین عاملی که سبب پیدایش، شکوفایی بیش از پیش ادبیات پایداری و بقا آن شد اهتمام زائد الوصف اصحاب قلم بود؛ شعرا درونمایه‌هایی زیادی را با اهداف مختلف در اشعار خود متجلی ساختند

با توجه به شرایط خاص و موقعیت حساس فلسطین مضامین وطن دوستی، توصیف جنایتهای دشمن، غفلت مردم و خیانت سران کشورهای عربی، دعوت به مبارزه و پایداری، شهادت، امید بخشی و مبارزه با حس نا امیدی بیش از دیگر موارد در اشعار شعرا به چشم می خورد آنان برای انتقال مفاهیم این مضامین و بیدار کردن ملتها، اشعارشان را هم به سبک ساده و روان سرودند و هم به آرایه های ادبی آراستند و هم از زبان شعر مدد جستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

مطالعات

بیداری اسلامی

۱. قرآن کریم.
۲. بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از آغاز تا عصر پهلوی، چ ۱، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. حاج ابراهیمی، کاظم (۱۳۷۶). تاریخ الأدب العربی الحدیث، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ط ۱.
۴. حاج بابایی، محمدرضا و مرادی، سجاد (۱۳۹۶). «بررسی مقاومت فلسطین در شعر محمود درویش و حسین اسرافیلی» نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۷.
۵. جهانی، محمدتقی و زهره نورمحمدنهاد (۱۳۹۶). واکاوی بن مایه‌های ادبیات پایداری در شعر فلسطین و ایران (مورد بررسی جنبش‌های بیداری اسلامی با رویکرد آسیب‌شناسانه: هارون هاشم رشید و حسین اسرافیلی، نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۷.
۶. الجیوسی، سلمی خضراء (۱۹۹۷م). موسوعه الأدب الفلسطینی المعاصر. بیروت: المؤسسة العربیة.
۷. روزبهناسی، محبوبه (۱۳۸۹). قسم به نخل قسم به زیتون، چ ۱. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۸. زودرنج، صدیقه و زهرا کوچکی نیت (۱۳۹۷). بیداری و پایداری فلسطین در اشعار تمیم برغوثی، نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۸.
۹. السوافیری، کامل (۱۳۸۳). ادب معاصر عرب در فلسطین. ترجمه: علی احمد امیرسرداری. چ ۱. تهران: انتشارات حروفیه.
۱۰. سیدی، حسن و سالم شیرین (۱۳۹۰). جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال سوم. شماره پنجم.
۱۱. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). شعر معاصر عرب، تهران: انتشارات سخن.
۱۲. فوده، علی (۲۰۰۳). الأعمال الشعریة الكاملة. ط ۱. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
۱۳. قادری، فاطمه (۱۳۹۰). «فلسطین در شعر معاصر الجزائر» مجله ادب عربی، دوره ۳، شماره پیاپی ۲.
۱۴. القرشی، حسن عبدالله (۱۹۷۹م). دیوان، بیروت: دارالعودة.
۱۵. قطب، سید (۱۹۹۲). دیوان سید قطب، جمعه: عبدالباقی محمد حسین، المنصورة، دارالوفاء، ط ۲.

۱۶. عزیزی پور، محمدرضا؛ باوان پور، مسعود و لرستانی، نرگس (۱۳۹۱). وطن در شعر معاصر فاسطین، مجله ادبیات غنایی - عرفانی، شماره ۴.
۱۷. کارآمد، راضیه و شمس آبادی، حسین (۱۳۹۶). تطبیق و تحلیل مفهوم شهید و شهادت در برخی از سروده‌های سلمان هراتی و شفیق حبیب، مطالعات بیداری اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲.
۱۸. کارآمد، راضیه، شمس آبادی، حسین و نوری، مهدی (۱۳۹۸). مضامین مشترک پایداری در سروده‌های سلمان هراتی و ابراهیم المقادیه، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۸، شماره ۱۵.
۱۹. کارخانه، جواد؛ روشن چسلی، محمد مهدی و نعمتی، فاروق (۱۳۹۷). فریاد خون‌ها: درنگی بر بُن‌مایه‌های پایداری در شعر حسن عبدالله قرشی، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۷، شماره ۱۳.
۲۰. کافی، غلامرضا (۱۴۰۰). پیشنهادی برای رج بندی مؤلفه های بیداری اسلامی، نشریه ادبیات پایداری، دوره ۱۳، شماره ۲۴.
۲۱. الکریمی، عبدالکریم (۱۹۷۸م). دیوان ابي سلمی، الطبعة الأولى. بیروت: دار العوده.
۲۲. کنفانی، غسان (۱۹۶۶). ادب المقاومة في فلسطين المحتلة، بیروت: دار الطلیعة.
۲۳. الکیالی، عبدالرحمن (۱۹۷۵). الشعر الفلسطیني في نكبة فلسطين، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
۲۴. کیانی، حسین؛ میرقادری، فضل‌الله (۱۳۸۸). شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان شاعر مقاومت فلسطین، نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱.
۲۵. محمد عطیه، احمد (۱۹۷۴). أدب المعركة، ط ۳، بیروت: دارالجيل.
۲۶. محمود، عبدالرحیم (۱۹۸۸). الأعمال الكاملة للشاعر الشهيد عبدالرحيم محمود، تحقیق و تقدیم: عز الدین المناصرة، ط ۱، بیروت: دار الجیل للطباعة والنشر والتوزیع.
۲۷. محمودی، اعظم (۱۳۹۸). بررسی جنبشهای بیداری اسلامی با رویکرد آسیب شناسانه، مجله مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۱۶.
۲۷. منفرد، سهیلا (۱۳۸۶). بررسی رویکردهای ادبی دیوان شیخ احمد وائلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۸. نجاریان، محمدرضا (۱۳۸۸). بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش، نشریه

ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال اول. شماره اول.

۲۹. النقاش، رجاء (۱۹۷۲م). محمود درویش شاعر الأرض المحتلة، الطبعة الثانية. بيروت: المؤسسة العربيّة للدراسات والنشر.
۳۰. هواری، صالح محمود (۱۹۹۸). دیوان مرایا الیاسمین، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
۳۱. الوائلي، احمد (۲۰۰۵). دیوان الوائلي، قم: الشريف الرضي.

32. Azizipour, Mohammad Reza; Bhavanpour, Masoud and Lorestani, Narges. (2011). "Watan in the contemporary poetry of Faustin", magazine of lyrical-mystical literature, number 4.
33. Basiri, Mohammad Sadiq (1388). Analytical progress of resistance poetry in Persian literature from the beginning to the Pahlavi era, First edition, Kerman: Shahid Bahonar University Publications, Kerman
34. Fodeh, Ali. (2003). Complete poetic works. i. 1. Beirut: Arab Foundation for Studies and Publishing.
35. Haj Babaei, Mohammad Reza and Moradi, Sajjad. (2016). "Examination of Palestinian resistance in the poetry of Mahmoud Darwish and Hossein Esrafilii" Journal of Persistence Literature, No. 17.
36. Haj-Ebrahimi, Kazem (1376 A.D.) The History of Modern Arabic Literature, Isfahan, Daneshgah Isfahan, 1st Edition.
37. Hawari, Salih Mahmoud (1998), Diwan of Maraya al-Yasmin, Damascus: Publications of the Arab Writers Union
38. Jahani, Mohammad Taghi and Zohra Noor Mohammad Nahal. (2016). "Analysis of the themes of sustainable literature in the poetry of Palestine and Iran (the case of Islamic awakening movements with a pathological research approach: Harun Hashim Rashid and Hossein Esrafilii)" Sustainable Literature Journal, No. 17.
39. Al-Jiosi, Salmi Khadra. (1997). Encyclopaedia of modern Palestinian literature. Beirut: Al-Arabiya Foundation.
40. Kafi, Gholamreza. (1400). "A proposal for ranking the components of Islamic awakening" Journal of Sustainability Literature, Volume 13, Number 24
41. Karami, Abdul Karim. (1978). Diwan Abi Salmi. first edition Beirut: Dar al-Oudeh..

42. Kanfani, Ghassan. (1966). The culture of resistance in occupied Palestine. Beirut: Darul Taliya.
43. Karamad, Razia and Shamsabadi, Hossein (2016). Application and analysis of the concept of martyr and martyrdom in some of the compositions of Salman Herati and Shafiq Habib, Islamic Awakening Studies, year 6, number 12.
44. Karamad, Razieh. Shamsabadi, Hossein and nori. madi (2018). The common themes of sustainability in the poems of Salman Herati and Ibrahim Al-Maqadameh, Islamic Awakening Studies Quarterly, Year 8, Number 15
45. Karkhaneh, Javad ,Roshanchesli. Mohammadmahdi and Nemati Farogh (2017). The cry of the blood: a pause on the elements of stability in Hassan Abdullah Qurashi's poetry, Islamic Awakening Studies Quarterly, year 7, number 13.
46. Kayani, Hossein; Mirqadri, Fazlullah. (1388). "Martyr and veteran in the poetry of Ebrahim Touqan, the poet of the Palestinian resistance" Journal of Persistence Literature, No. 1.
47. Kayali, Abdul Rahman (1975). "Palestinian Poetry in the Nakba of Palestine", Beirut: The Arab Institute for Studies and Publishing..
48. Mahmoud, Abdul Rahim (1988). "The Complete Works of the Martyr Abd al-Rahim Mahmoud", researched and presented by: Ezzeddin al-Manasarah, volume 1, Beirut: Dar Al-Jil for printing and distribution.
49. Mahmoudi, Azam. (2018). "Study of Islamic Awakening Movements with a Pathological Approach" Journal of Islamic Awakening Studies, No. 16.
50. Mohamed Attia, Ahmed (1974). Battle Literature, 3rd Edition, Beirut: Dar Al-Jeel.
51. Monfared, Sohaila. (1386). Review of the literary approaches of Sheikh Ahmed Vaeli's court, Master's thesis, University of Tehran.
52. Naghghash, Reja. (1972). Mahmoud Darwish, the poet of the oc-

- cupied land. second edition Beirut: Al-Arabiya Institute for Studies and Publishing.
53. Najarian, Mohammad Reza. (1388). "Fundamentals of sustainable literature in Mahmoud Darvish's poetry". Journal of Sustainability Literature of Shahid Bahonar University of Kerman. first year. the first number.
54. Qaderi, Fatemeh. (1390). "Palestine in contemporary Algerian poetry" Journal of Arabic Literature, Volume 3, Number 2.
55. Al-Qurashi, Hassan Abdullah (1979 AD). Diwan, Beirut: Dar Al-Ouda.
56. Qutb, Sayyid (1992) The Diwan of Sayyid Qutb, compiled by: Abd al-Baqi Muhammad Husayn, Mansoura, Dar al-Wafa, 2nd ed.
57. Rozbahani, Mahbube. (1389). I swear by the palm, I swear by the olive. Ch 1. Tehran: The Foundation for the preservation of works and the publication of the values of holy defense.
58. Seyydi, Hassan and Salem Shirin. (1390). "Persistence effects in Toqan's Fado poems". Journal of Sustainability Literature of Shahid Bahonar University of Kerman. third year. Fifth issue.
59. Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (2010). Contemporary Arab Poetry, Tehran: Sokhon Publications
60. Al-Sawafiri, ckamel (1383). Contemporary Arab literature in Palestine. Translation: Ali Ahmad Amirsardari. Ch1. Tehran: Harufiye Publications.
61. Al-Waeli, Ahmed (2005). Al-Waili Diwan, Qom: Al-Sharif al-Radi
62. Zodranj, Siddiqa and Zahra Kochaki Nit. (2017). Awakening and Persistence of Palestine in the poems of Tamim Barghouti. Journal of Persistence Literature, No18.